

تخصیص عمومیت واژه «العالمین»

در برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام

دکتر احسان پوراسماعیل

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

محتوای آیهٔ چهل و دوم سورهٔ مبارکهٔ «آل عمران»، حاکی از سخن گفتن فرشتگان با حضرت مریم علیها السلام است. یکی از موضوعات این گفت‌وگو، به پاک‌شدن و برانگیخته‌شدن آن حضرت در بین بانوان اختصاص دارد: «وَإِذِ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».

اگرچه ظاهر واژه «العالمین» در مواردی از آیات قرآن عمومیت آیه را می‌رساند، اما در برخی موارد - نظیر این آیه - تخصیص می‌خورد. از این رو، این آیه نشان‌دهندهٔ اصطفای نسبی حضرت مریم علیها السلام در میان بانوان جهان و یا به عبارت دیگر، برگزیدن وی در برابر زنان زمانهٔ خویش است؛ که این مدعا با توجه به روایات مأثور فریقین و بیان صاحبان کتاب‌های تفسیری، در این مقاله اثبات شده است.

بر اساس همهٔ روایات مأثور شیعه و اغلب روایات اهل سنت، حضرت فاطمه علیها السلام بر

همهٔ بانوان جهان برتری دارد.

کلیدواژه‌ها: حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت مریم علیها السلام، علوم قرآن، عام و خاص، شیعه،

اهل سنت.

مقدمه

امام علی علیه السلام در معرفی اصناف گوناگون آیات قرآن می‌فرماید: «مِنْهُ مَا لَفْظُهُ خَاصٌّ وَ مِنْهُ مَا لَفْظُهُ عَامٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۰، ص ۴/ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵) یعنی: آیاتی که لفظی خاص و معنای عام دارند، و آیاتی که عام است و عموم را دربر می‌گیرد.

توضیح اینکه گاهی لفظ آیه خاص است ولی حکمش عمومیت دارد و معنای عام می‌دهد؛ مانند: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنَّا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِن كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ...» (ماتده: ۳۲)؛ (در جریان کشته شدن هابیل توسط قابیل) بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویا همه مردم را کشته است... .

چنان که ملاحظه می‌شود، موضوع و لفظ آیه، خاص و درباره بنی اسرائیل بیان شده است، اما معنای آیه عام است و حکم آن شامل همه مردم می‌شود.

نوع دوم در تقسیم‌بندی امیرالمؤمنین علیه السلام لفظی است که به ظاهر عام است ولی معنای خاص می‌دهد. در هر دو نوع، بخصوص نوع دوم، تنها معلّمان حقیقی قرآن می‌توانند ما را به مراد کلام الهی آشنا کنند؛ مانند: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۴۷)؛ ای فرزندان یعقوب! نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و نیز فراموش نکنید که من شما را بر عالمیان برتری دادم.

اگرچه لفظ «العالمین» در این آیه عام است، اما بر اساس روایات مأثور، معنای خاص می‌دهد. این معنای خاص، عبارت است از افضلیت بنی اسرائیل نسبت به جهان زمان خودشان. از این رو، این افضلیت نسبی است. علامه مجلسی در آنچه که از امام علی علیه السلام در اصناف گوناگون آیات قرآن آمده است به این آیه اشاره می‌کند.

«فَمَا مَا ظَاهِرُهُ الْعُمُومُ وَ مَعْنَاهُ الْخُصُوصُ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: " يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتَى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ " فَهَذَا اللَّفْظُ يَحْتَمِلُ الْعُمُومَ وَ مَعْنَاهُ الْخُصُوصُ لِأَنَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا فَضَّلَهُمْ عَلَى عَالَمٍ أَرْزَمَانِهِمْ بِأَشْيَاءَ خَصَّصَهُمْ بِهَا مِثْلُ الْمَنِّ وَ السَّلْوَى وَ الْعُيُونِ الَّتِي فَجَّرَهَا لَهُمْ مِنَ الْحَجَرِ وَ أَشْبَاهِ ذَلِكَ. » (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۰، ص ۲۳)

این همه در حالی است که گاهی همین لفظ «العالمین» عام است و معنای دیگری ندارد؛ مانند: «الحمد لله رب العالمین» (فاتحه: ۱) یا آیه «فیه آیات بینهات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً و لله علی الناس حج البیت من استطاع إليه سبیلاً و من كفر فان الله غنی عن العالمین.» (آل عمران: ۹۷) از این رو، با رجوع به معلّمان حقیقی قرآن می توان به این معارف قرآنی پی برد.

تفسیر امام امیرالمؤمنین علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به دلیل همین روش خاص در بیان تفسیر آیات قرآن توسط ایشان، محققان باید به روش‌شناسی تفسیر ایشان به شکلی مستقل بپردازند. (نک: پوراسماعیل، ۱۳۸۶ش، ص ۶۳)

در این مقاله بر مبنای همین روش، که اوّلین بار توسط امام علی علیه السلام در علوم قرآنی مطرح شده است، به تبیین آیهٔ چهل و دوّم سورهٔ «آل عمران» می‌پردازیم. گفتنی است سیوطی قرن‌ها بعد در الاتقان فی علوم القرآن به نقل از ماوردی و او نیز بنا به تقسیم‌بندی شافعی دربارهٔ آیهٔ ۲۷۵ سورهٔ «بقره»، چهار قول را آورده است که یکی از این اقوال همین نوع از تخصیص است. (نک: سیوطی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۶۵)

برتری حضرت فاطمه علیها السلام در جوامع حدیثی اهل سنت

سه نوع بیان در روایات اهل سنت در معرفی برترین بانوی جهان به چشم می‌خورد.

۱. حضرت فاطمه علیها السلام یکی از زنان برگزیده

برخی روایات بدون تأکید و اشاره انحصاری به حضرت فاطمه علیها السلام، ایشان را در ردیف زنان برگزیده خدا معرفی می‌کنند. در ذیل به یکی از این روایات اشاره می‌شود:

۱-۱. احمد بن حنبل: وی چنین روایت می‌کند: «کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد» (احمد بن حنبل، [بی تا]، ج ۲، ص ۵۱۱) همین روایت را ابن صباغ مالکی و بسیاری از محدثان اهل سنت نقل کرده‌اند. (نک: ابن صباغ مالکی، ۱۹۸۸ م، ص ۱۲۷)

۲. حضرت فاطمه علیها السلام برگزیده برگزیدگان

دانشوران اهل سنت در ذیل آیه محل بحث، به سیادت و برتری حضرت زهرا علیها السلام نسبت به دیگران اعتراف کرده‌اند. در این قسمت، به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌شود:

۲-۱. بخاری: وی از عایشه روایتی را نقل می‌کند. جایگاه عایشه در نزد اهل سنت از اهمیت زیادی برخوردار است، از دیگر سو، بخاری یکی از دو شیخ حدیثی اهل سنت است که حدیث منقول از او حجّیت دارد. ادعای بخاری در جمع‌آوری کتابش این است: «این کتاب بین من و خدای من حجّت است؛ من بجز حدیث صحیح نقل نکرده‌ام و از احادیث صحیح نیز احادیث زیادی را فروگذار نکردم تا کتاب مطوّل نگردد.» (ابوزهو، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۷۹ / ابن صلاح، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲) نووی در اهمیت صحیح بخاری و امتیاز آن نسبت به صحیح مسلم می‌گوید: «دانشمندان، یک‌صدا معتقدند که صحیح‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن صحیح بخاری است و امتّ جملگی این دو کتاب را پذیرفته‌اند و کتاب بخاری در مقایسه با صحیح مسلم صحیح‌تر و فایده‌اش بیشتر است.» (نووی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۴)

عایشه می گوید: «روزی فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ راه رفتن او مانند راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوش آمدی دخترم. پس او را طرف راست یا چپ خود نشانند. بعد رازی در گوش او گفت که به دنبال آن، فاطمه علیها السلام گریان شد. من گفتم: چرا گریه می کنی؟

بار دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله راز دیگری به او گفت. فاطمه علیها السلام خندان شد. گفتم: من تا امروز شادی ای که اینچنین با غم نزدیک باشد ندیده بودم، و از علت آن پرسش کردم. فاطمه علیها السلام گفت: من راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را فاش نمی کنم.

این مطلب ادامه داشت تا پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و بار دیگر پرسیدم. فاطمه علیها السلام پاسخ داد: در مرتبه اول، پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: جبرئیل هر سال یک بار قرآن را بر من می آورد، امسال دو بار این مهم روی داد؛ به سبب اینکه اجل من نزدیک شده است و تو اولین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد. من هنگامی که این سخن را شنیدم گریه کردم. سپس فرمود: «أما ترضین أن تكونی سیدة نساء أهل الجنة، أو نساء المؤمنین؟»؛ آیا تو راضی نمی شوی که بانوی زنان بهشت یا زنان با ایمان باشی؟ هنگامی که این سخن را شنیدم شاد و خندان شدم. (بخاری، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۴۸)

۲-۲. حاکم نیشابوری: وی حدیثی را نقل می کند که خود او و ذهبی آن را صحیح می داند: رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «یا فاطمه! ألا ترضین أن تكونی سیدة نساء العالمین و سیدة نساء هذه الامة و سیدة نساء المؤمنین» (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۵۶) یعنی: ای فاطمه، آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهانیان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی؟

بغوی می گوید: «هذا حدیث متفق علی صحته.» (بغوی، ۱۹۹۸م، ج ۸، ص ۱۲۲)

۲-۳. ابی نعیم اصبهانی: وی نقل می کند: در جریان گفت و گویی که پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت زهرا علیها السلام داشتند به ایشان فرمودند: «یا بنیه أما ترضین أنك سیدة نساء العالمین؟» دخت پیامبر پاسخ می دهد: «یا أبت فأین مریم ابنة عمران؟»؛ یعنی: پس جایگاه

مریم علیها السلام چگونه است؟ حضرت پاسخ می‌دهند: «تلك سيدة نساء عالمها و أنت سيدة نساء عالمك أما و الله زوجتك سيداً في الدنيا و الآخرة» (اصبهانی، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۴۲)؛ حضرت مریم علیها السلام سید و بزرگ بانوان عصر خویش بود و تو سید زنان زمانه خودت هستی؛ قسم به خدا که همسرت سید و سرور دنیا و آخرت است.

این روایت توسط ناصح ابو عبدالله از جابر بن سمره به شکل متصل و از علی بن هاشم به شکل مرسل، نقل شده است. شاید برای خواننده محترم این پرسش مطرح گردد که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فاطمه علیها السلام سیده زمانه خویش است»، و این صراحتی در مدعای ما ندارد. پاسخ این پرسش چنین است: اولاً، بنا به تعصبات عقیده‌ای که از همان روزهای ابتدایی رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله با قانون منع تدوین حدیث دامنگیر جامعه گردید، برخی فضیلت‌سازی‌ها در احادیث اهل سنت شروع شد. یکی از موضوعاتی که دچار تحریف گردید، همین نوع احادیث است، به گونه‌ای که نام برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان بانوان برتر مطرح شده است.

به عبارت دیگر، در تخصیص عمومیت آیه تقریباً همه علماء متفق القول هستند، اما در تعیین مصداق این تخصیص، اقوال مختلفی نقل شده است که این مقاله در صدد بیان تک‌تک آنها نیست و فقط بر آن است که برخی از اقوالی اشاره کند که تصریح در تخصیص آیه به حضرت زهرا علیها السلام دارند.

ثانیاً، آنچنان که از پرسش ابتدایی پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌آید، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان معرفی سیده زنان هر دو سراسر است و چون دین پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخرین روز دنیا باقی است و در آخرت نیز بر مبنای آن از مردم پرسش می‌شود - که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) - پس حضرت زهرا علیها السلام سیده بانوان جهانیان است.

اصبهانی روایات دیگری را هم با جریان‌های گوناگونی نقل می‌کند که همه به معرفی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان برترین بانوی جهانیان اشاره دارند و یا از این برتری در قیامت سخن می‌گویند. نقل بعدی وی نیز به همین نکته اشاره دارد. (نک: همان)

۴-۲. سهیلی و دیگران: وی بعد از نقل حدیث «فاطمة بضعة منی» می‌گوید: «من هیچ کس را مساوی با پاره تن رسول خدا نمی‌دانم.» (سهیلی، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۷۹) زرقانی می‌گوید: «آنچه که امام مقریزی، قطب الخضیری و امام سیوطی با ادله واضح بیان داشته‌اند، نشان می‌دهد که فاطمه علیها السلام افضل از همه زنان عالم حتی مریم علیها السلام است.» (همان، ص ۱۷۸) سفارینی نیز می‌گوید: «فاطمه علیها السلام به سبب لفظ سیادت، افضل از خدیجه علیها السلام و مریم علیها السلام است.» به گفته ابن الجکنی: «بنا به قول صحیح‌تر، فاطمه علیها السلام از همه زنان افضل است.» شیخ رفاعی هم می‌گوید: «فاطمه افضل از همه زنان است، بنابر آنچه گروه بسیاری از ائمه متقدمین و دانشوارن جهان آن را صحیح قرار داده‌اند.» (همان)

۳. نام نبردن از حضرت فاطمه علیها السلام

این روش که در برخی از آثار دیده می‌شود، در بخش قبلی نیز به مناسبت نقل اصبهانی مورد نقد قرار گرفت. از این رو، شاهد ورود انگیزه‌های سیاسی در حدیث اهل سنت هستیم تا شخصیت عایشه را بالاتر از دخت پیامبر صلی الله علیه و آله جلوه دهند. نکته جالب در اینجا واکنش خود دانشوران اهل سنت به این نوع تفکر است. برای نمونه، آنچنان که در بررسی تفسیری برخی منابع اهل سنت اشاره خواهیم کرد، آلوسی این افضلیت را به عایشه نسبت می‌دهد، حال آنکه - همان گونه که در نقل بخاری هم دیدیم - شخص عایشه به افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام اذعان دارد و برای خودش چنین مقامی قایل نیست.

برتری حضرت فاطمه علیها السلام در منابع تفسیری اهل سنت

این قسمت را بر اساس آنچه سیوطی در کتاب تفسیر خود آورده است طبقه‌بندی می‌کنیم. (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۳)

۱. نام نبردن از حضرت فاطمه علیها السلام

به همان ترتیبی که اشاره شد، در منابع تفسیری هم شاهد برخی روایات بدون اشاره به حضرت فاطمه علیها السلام هستیم که البته می‌توان آنها را به دو دسته جایگزین تقسیم کرد:

۱-۱. حضرت خدیجه علیها السلام

۱-۱-۱. «و اخرج ابن ابي شيبة و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن مردويه عن علي سمعت رسول الله - صلى الله عليه و [آله و] سلم - يقول: خير نساءها مريم بنت عمران و خير نساءها خديجة بنت خويلد.» اولاً، این روایت هیچ‌گونه قید زمانی نمی‌زند؛ ثانیاً، مشخص نیست ضمیر «ها» به چه کلمه‌ای برمی‌گردد؟ از این رو، شاهد اضطراب در محتوای حدیث هستیم.

۱-۱-۲. «أخرج ابن جرير عن عمار بن سعد قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فضلت خديجة علي نساء أمتي كما فضلت مريم علي نساء العالمين.» در این حدیث هم فضیلت حضرت خدیجه در بین بانوان امت محل بحث است و نه در بین جهانیان. شأن حضرت خدیجه علیها السلام بر کسی پوشیده نیست؛ خدماتی که وی به اسلام روا داشته است، به اندازه‌ای است که همه مسلمانان از ابتدای طلوع اسلام تا قیامت مدیون ایشانند، ایستادگی وی در برابر اعتقاد به نبوت ستودنی و مثال‌زدنی است، اما به نظر نگارنده، استفاده از نام ایشان برای بازگشایی فهرست بانوان برتر برای اضافه کردن سایر بانوان صدر اسلام با اغراض سیاسی است. چنان‌که در منابع شیعه هرگز حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «سیده بانوان خلقت» مطرح نشده است و منابعی هم که از ایشان با این عنوان و یا در ردیف چهار بانوی برتر یاد می‌کند، برگرفته از منابع اهل سنت است. (نک: سید بن طاوس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، صص ۹۱ و ۱۱۸/ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۳ و ۵۰۷/ حلی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۵۳/ مجلسی، ج ۱۴، صص ۱۹۵، ج ۱۶، صص ۲۹، ج ۲۹، صص ۳۴۴ و ۳۴۵، ج ۳۷، صص ۶۸ و ۴۳، صص ۳۶ و ۵۱)

۱-۲. **جایگزین کردن عایشه:** «و أخرج ابن أبي شيبة و البخاری و مسلم و الترمذی و النسائی و ابن ماجه و ابن جریر عن أبي موسى قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - كمل من الرجال كثير و لم يكمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون و فضل عائشة عن النساء كفضل الثريد على الطعام.»

در این مقاله در پی بررسی سندی روایات نیستیم، اما نکته قابل توجه در محتوای این حدیث، که در برخی منابع روایی اهل سنت آمده، این است: در حالی که همه روایات در پی معرفی چهار زن برتر به عنوان الگو هستند، این حدیث به یکباره - و آن هم با بیانی مضطرب - به سه زن بسنده می کند، به گونه ای که در ابتدا شاهد نام بردن زنان برتریم، اما در نام بردن سومین زن بدون معرفی نام او، به تعلیل فضیلت او نسبت به سایر بانوان پرداخته شده است. علاوه بر آن، همان گونه که ملاحظه شد، عایشه، خود چنین سخنی را قبول نداشته و هیچ گاه در طول عمر خویش به آن استناد نجسته است.

۲. نام بردن از حضرت فاطمه علیها السلام در کنار سایر بانوان برتر

نوع دوم این نوع روایات به گونه ای است که گویی حدیث در صدد بیان افضلیت هیچ یک از بانوان نیست و نام حضرت فاطمه علیها السلام در کنار سایر بانوان به عنوان بانوی برتر می آید:

۲-۱. «أخرج الحاكم و صححه عن ابن عباس قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - أفضل نساء العالمین خديجة و فاطمه و مریم و آسیه امرأة فرعون.»

۲-۲. «و أخرج ابن مردويه عن أنس قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - ان الله اصطفى على نساء العالمین أربعة: آسیه بنت مزاحم و مریم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد صلى الله عليه و [آله و] سلم.»

۳-۲. «و اخرج احمد و الترمذی و صححه و ابن المنذر و ابن حبان و الحاكم عن انس ان رسول الله - صلى الله عليه و سلم - قال: حسبك من نساء العالمين مريم بنت عمران و خديجه بنت خويلد و فاطمه بنت محمد - صلى الله عليه و سلم - و آسيه امرأة فرعون و أخرجه ابن ابى شيبه عن الحسن مرسلًا.»

۴-۴. «و أخرج ابن أبى شيبه و ابن جرير عن فاطمه - رضى الله عنها - قالت: قال لى رسول الله - صلى الله عليه و سلم - أنت سيدة نساء اهل الجنة إلا مريم البتول.»

۵-۲. «و أخرج ابن عساکر عن ابن عباس قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - سيدة نساء أهل الجنة مريم بنت عمران ثم فاطمه ثم خديجه ثم آسيه امرأة فرعون.»

۶-۲. «و أخرج ابن أبى شيبه عن عبد الرحمن بن أبى لیلی قال: قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فاطمة سيدة نساء العالمين بعد مريم ابنة عمران و آسيه امرأة فرعون و خديجه ابنة خويلد.»

اغلب مفسران اهل سنت اصطفای حضرت مريم عليها السلام را نسبی و مربوط به زنان عصر خویش می دانند. ابن الانباری قول به اکثریت را تأیید می کند. (ابن جوزی، ۲۰۰۱م، ج ۱، ص ۳۱۵) شماری از موافقان این نظریه (از میان متقدمان و متأخران مفسران) عبارتند از: ابن عباس، حسن بصری، ابن جریر (همان)، خازن (خازن، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۴۴)، سورآبادی (سورآبادی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۲۸۱)، آلوسی، و ابن عاشور. (ابن عاشور، [بی تا]، ج ۳، ص ۹۵)

در اینکه چرا واژه «اصطفاک» دوبار در آیه آمده است، مفسران احتمالات مختلفی را بیان کرده اند. (نک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۴۹) حتی آلوسی اقوال شاذ را هم آورده است: و المراد من «نساء العالمین» قيل: جميع النساء في سائر الأعصار، و استدل به على أفضليتها على فاطمه، و خديجه، و عائشه - رضى الله تعالى عنهن - و أيد ذلك بما أخرجه ابن عساکر في أحد الطرق عن ابن عباس أنه قال: «قال رسول الله - صلى الله تعالى عليه و سلم: سيدة نساء أهل الجنة مريم بنت عمران، ثم فاطمه، ثم خديجه،

ثم آسیه امرأة فرعون.» (همان) فخر رازی اصطفاى نخست را مربوط به ابتدای دوران کودکی حضرت مریم علیها السلام می‌داند و اصطفاى دوم را درباره‌ی دورانی که ایشان با فرشتگان گفت‌وگو می‌کرد و سرانجام بدون آنکه همسر داشته باشد، صاحب فرزند شد. (نک: رازی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۴۷) در روایات شیعی، اصطفاى نخست ناظر به برگزیده شدن حضرت مریم علیها السلام از ذریه‌ی انبیا و دوری وی و پدران و مادران او از عمل منافی عفت می‌باشد و اصطفاى دوم، ویژگی خاص آن حضرت در به دنیا آوردن حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر و برگزیدن صفتی است که در پی آن، به وی دستور داده می‌شود: «یا مَرِیْمُ اقْنُتِ لِربِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّاكِعِیْنَ.» (نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۱۹۳ / عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۷۳)

اثبات افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام به روش‌های دیگر

اگرچه احادیثی که از منابع شیعه و اهل سنت به آنها اشاره شد به خوبی نشان‌دهنده افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به همه بانوان جهان به ویژه حضرت مریم علیها السلام است، اما می‌توان با استفاده از آیات قرآن نیز به این افضلیت پی برد.

۱. دستور رکوع به حضرت مریم علیها السلام

خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: «یا مَرِیْمُ اقْنُتِ لِربِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّاكِعِیْنَ.» (آل عمران: ۴۳) این امر همانند امری است که به بنی اسرائیل هم شده است؛ «وَ اقْمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْکَعُوا مَعَ الرَّاكِعِیْنَ.» (بقره: ۴۳) در اینجا مجال آن نیست که مراد از بنی اسرائیل مشخص شود؛ (نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۳۹۷)، اما پرسش اینجا است که آیا حضرت مریم علیها السلام می‌تواند در برابر کسی جز کفو فاطمه علیها السلام، رکوع کردن و نیکو رکوع کردن را بیاموزد؟ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.» (مائده: ۵۵)

مگر روایات شیعه و اهل سنت به ایمان امام علی علیه السلام به عنوان اولین مؤمن و در پی آن، اولین نمازگزارنده اذعان ندارند؟ «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: "وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاَكِعِينَ" نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ خَاصَّةً وَ هُمَا أَوَّلُ مَنْ صَلَّى وَ رَكَعَ.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶، ص، ۱۶۶ / فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۳ / حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۱) به حضرت مریم علیها السلام چونان بنی اسرائیل دستور به رکوع با رکوع کنندگان داده می‌شود و در آیه ولایت روشن می‌شود که مراد از این رکوع کنندگان کسانی هستند که دارای مقام ولایت‌اند که محور این مقام حضرت زهرا علیها السلام است. «هُم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها» (قمی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۳۴۳)

۲. آیه تطهیر

برای حضرت مریم علیها السلام در آیه محل بحث، آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ»، در حالی که طهارت و پاکی حضرت فاطمه علیها السلام و دوری او و اهل بیت علیهم السلام از پلیدی، با مفعول مطلق تأکیدی و عبارت «يُطَهِّرُكُمْ تَطَهِّيراً» بیان شده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطَهِّيراً.» (احزاب: ۳۳) درباره این آیه در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است، آثار مختلفی نگاشته شده است. (ر.ک به: عسکری، [بی تا])

۳. آیه مباهله

در جریان مباهله، که با نامه پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر دعوت مسیحیان به اسلام شروع شد و ایشان پیش‌گویی‌های کتاب‌های آسمانی درباره پیامبر صلی الله علیه و آله را برتیبند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل بیت علیهم السلام خویش در حقانیت اسلام مدد جست؛ ماجرای که شیعه و سنی به آن اعتراف دارند. (ر.ک به: انصاری، ۱۳۸۵ش) برای نمونه، حسن بصری که خود از مخالفان اهل بیت علیهم السلام است، به ماجرای مباهله اقرار کرده است. وی در این

زمینه می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله صبح‌هنگام، برای مباحله آمد، در حالی که دست حسن و حسین را گرفته بود و فاطمه پشت سر او بود و علی پیشاپیش او می‌رفت. اسقف اعظم پرسید: اینان کیانند؟ در پاسخ او گفتند: این پسرعموی او و همسر دخترش است و این دو پسران دختر اویند، و این بانو دختر اوست که عزیزترین مردم نزد او و نزدیک‌ترین آنان به قلب اوست. پیامبر صلی الله علیه و آله جلو آمد و بر سر زانوانش نشست و اسقف گفت: به خدا قسم، آن‌گونه که انبیا برای مباحله می‌نشینند، نشسته است؛ از این‌رو، از مباحله پشیمان شد و اقدامی نکرد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۳۸)

چنان‌که واضح است، محور اصحاب مباحله، حضرت زهرا علیها السلام است که با تعبیری نظیر «هَذِهِ بِنْتُهُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيْهِ وَ أَقْرَبُهُمْ إِلَيَّ قَلْبِهِ» معرفی شده است.

۴. اجماع امت

برتری و افضلیت حضرت زهرا علیها السلام برای همه امت حتی مخالفان ایشان امری آشکار بوده است، به گونه‌ای که بسیاری از اوقات امامان شیعه در احتجاجات و در برتری خویش نسبت به سایر مردم در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله از افضلیت حضرت زهرا علیها السلام سخن گفته‌اند. در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

۴-۱. امام علی علیه السلام: حضرت در نامه‌ای مهم به معاویه - که در طی آن، به امتیازات خود نسبت به بنی‌امیه اشاره دارد - یکی از امتیازات خود را افضلیت حضرت زهرا علیها السلام برمی‌شمرد:

«... وَ مِنَّا النَّبِيُّ وَ مِنكُمُ الْمَكْذِبُ وَ مِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ مِنكُمُ أَسَدُ الْأَخْلَافِ وَ مِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مِنكُمُ صَبِيَّةُ النَّارِ وَ مِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنكُمُ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ فِي كَثِيرٍ مِّمَّا لَنَا وَ عَلَيْكُمْ فِإِسْلَامَنَا قَدْ سُمِعَ وَ جَاهِلِيَّتُنَا لَا تُدْفَعُ وَ كِتَابُ اللَّهِ يَجْمَعُ لَنَا مَا شَدَّ عَنَّا وَ هُوَ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ قَوْلُهُ تَعَالَىٰ إِنَّ أَوْلَىٰ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّهُ

المؤمنين فَنَحْنُ مَرَّةً أَوْلَىٰ بِالْقُرَابَةِ وَ تَارَةً أَوْلَىٰ بِالطَّاعَةِ.» (سیدرضی، [بی تا]، ص ۳۸۷) سکوت معاویه در برابر این استدلال امام علی علیه السلام نشان از آگاهی و اعتراف وی به این برتری است.

۲-۴. امام حسن علیه السلام: در فرصتی که امام مجتبی علیه السلام در برابر معاویه پیدا می کند، بر منبر می رود و به این برتری در میان همه بانوان عالم اشاره می نماید. «وَلَقَدْ قِيلَ لِمُعَاوِيَةَ ذَاتَ يَوْمٍ لَوْ أَمَرْتَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ لِيَتَّبِعِينَ لِلنَّاسِ نَقْضُهُ فِدَاعُهُ فَقَالَ لَهُ اصْعَدِ الْمِنْبَرَ وَ تَكَلِّمْ بِكَلِمَاتٍ تَعْطِنَا بِهَا فَقَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَيْنُ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۳۱/ همو، ج ۴۳، ص ۳۵۶/ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹م، ج ۴، ص ۱۲/ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۸۰) با بررسی زندگی اهل بیت علیهم السلام و احتجاجات مختلفی که ایشان در مقام معرفی خود در برابر مردم ارائه کرده اند، به موارد فراوانی از این نوع شناسایی می رسیم. بررسی و گونه شناسی این نوع روایات، مجال دیگری می طلبد.

۳-۴. نظر صحابه: در بیان بسیاری از صحابه، جایگاه حضرت زهرا علیها السلام به عنوان حجت خدا بر مردم معرفی شده است؛ نظیر: ابراهیم جوینی (جوینی، ۱۹۷۸م، ج ۲، ص آخر)، سلیمان قندوزی (قندوزی، ۱۹۶۶م، ص ۷۸۷)، و موفق بن احمد خوارزمی. (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۵)

تصریح افضلیت حضرت زهرا علیها السلام در روایات شیعه

از افضلیت و سیادت حضرت صدیقه علیها السلام در منابع روایی شیعه بسیار فراوان یاد شده است. حتی شماری از این توصیفات را می توان در ادعیه شیعه، که گنجینه ای بزرگ از معارف این مکتب است، جست. با این حال، در این قسمت تنها به چند نمونه بسنده می کنیم:

۱. از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که فرمودند: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ وَ إِنِّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرِيْمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۶۰)؛ فاطمه، بانوی بانوان جهان از آغاز تا فرجام است. هرگاه او در محراب عبادت می‌ایستاد، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب خداوند او را سلام می‌دادند. آنان فاطمه را ندا می‌دادند به ندایی که ملائکه به مریم می‌دادند: همانا خداوند تو را برگزید و پاک نمود و تو را بر بانوان جهان اختیار کرد. به نظر می‌رسد می‌توان رمز تکرار واژه «اصطفاک» را تغییر خطاب آیه به حضرت زهرا علیها السلام دانست.

۲. از امام صادق علیه السلام نیز منقول است: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرِيْمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْنِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّكَّاعِينَ فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيْمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرِيْمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأُولَىٰ وَ الْآخِرِينَ» (صدوق، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۸۲)؛ حضرت فاطمه علیها السلام محدثه نامیده شد؛ چراکه فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و او را صدا می‌زدند، چنان‌که مریم دختر عمران را صدا می‌زدند. فرشتگان به فاطمه می‌گفتند: ای فاطمه! خدا تو را برگزیده و پاک نموده و بر زنان عالم برتری بخشیده؛ پس پروردگارت را قنوت کرده و او را سجده نما و همراه رکوع کنندگان رکوع کن. آنان با او سخن می‌گفتند و او با ایشان گفت‌وگو می‌کرد. شبی حضرت فاطمه علیها السلام به آنان فرمود: مگر نه این است که مریم دخت عمران بر زنان عالم برتری داده شده است؟ گفتند: مریم مهتر بانوان عالم خویش است و خداوند تو را مهتر بانوان عالم خودت و مریم از نخستین تا واپسین قرار داده است.

محدث یا محدثه به مرد یا زنی گفته می‌شود که فرشتگان با او گفت‌وگو داشته باشند و او نیز سخن آنان را بشنود. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۴۵) درباره محدثه بودن بانوان، جدای از حضرت مریم در آیه مورد بحث، قرآن مجید به همسر حضرت ابراهیم علیه السلام (نک: هود: ۷۱-۷۳) اشاره دارد و یا در جریان مادر حضرت موسی علیه السلام تعبیر به وحی می‌کند. (نک: قصص: ۷ و طه: ۳۸) بر همین اساس: مصحف فاطمی پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در جریان تسلی جناب جبرئیل به حضرت زهرا علیها السلام ارائه شد و با املای ایشان و به قلم امیرمؤمنان علیه السلام به رشته تحریر درآمد. (نک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۴۱)

اهمیت موضوع برتری حضرت فاطمه علیها السلام

اهمیت برتری و افضلیت حضرت زهرا علیها السلام در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط ایشان به خوبی تبیین شده است؛ چه اینکه طرح چنین موضوعی برای تشخیص مسیر حق برای مسلمانان بعد از حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مهم است. این مهم نه تنها دغدغه آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، بلکه در روزگار ما نیز کاربرد دارد.

آنچه در افضلیت شأن حضرت زهرا علیها السلام مهم است، رسیدن به این مطلب ژرف است که عملکرد ایشان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باید میزان مسلمانان قرار می‌گرفت. اگر دیروز به هر دلیل این میزان نادیده گرفته شد، امروز مسلمانان باید از این الگو در اعتقاد خویش بهره جویند.

نتیجه

بنا بر ظاهر آیه، اصطفای حضرت مریم علیها السلام بر همه زنان عالم دلالت دارد، در حالی که طبق قواعد عام و خاص، برخی گزاره‌های قرآنی از عمومیت نسبی برخوردارند و این آیه، یکی از مثال‌های این قاعده علوم قرآن است. در تخصیص این آیه در بین دانشوران علوم قرآن شکی نیست، اما در تعیین مصداق آن نظرات مختلفی مطرح است.

در شیعه، همه روایات اشاره به برتری حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به زنان خلقت دارد و در اهل سنت، اغلب منقولات اشاره به ایشان دارد؛ سایر روایات مأثور که به ایشان اشاره ندارد نیز دچار اضطراب در ناحیه متن هستند.

به نظر می‌رسد موضوع افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام به صورت شفاف در جامعه اسلامی در زمان حیات نبوی و بعد از ایشان مطرح و مورد قبول صحابه بوده است، به گونه‌ای که نه کسی مدعی چنین مقامی شده است و نه واکنش منفی‌ای در برابر اهل بیت علیهم السلام - که در مقام احتجاج خصم از آن به عنوان یکی از نقاط برتری خود استفاده می‌کردند - گزارش شده است.

واکنش برخی دانشمندان اهل سنت در نوع خود عجیب است؛ از آن رو که عایشه خود هیچ ادعایی بر سروری بانوان خلقت ندارد، بلکه در منبع معتبری همچون صحیح بخاری نیز تأیید افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام از وی نقل شده است، اما ایشان در صدد تحمیل یک فضیلت ساختگی‌اند.

عملکرد حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان الگویی که پیامبر صلی الله علیه و آله به جهانیان معرفی کرد، امروز باید مورد تأمل همه مسلمانان قرار گیرد تا به وسیله آن به «صراط مستقیم» رهنمون شوند.

منابع

• قرآن مجید.

١. آلوسی، سید محمود؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
٢. ابن جوزی، عبدالرحمن؛ **زاد المسیر**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ٢٠٠١م.
٣. ابن شهر آشوب، محمد؛ **مناقب آل ابی طالب**؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، ١٣٧٩ق.
٤. ابن صباغ مالکی؛ **الفصول المهمه**؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٩٨٨م.
٥. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن؛ **علوم الحدیث**؛ دمشق: دارالفکر، ١٤٠٤ق.
٦. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ **التحریر و التنویر**؛ [بی جا]، [بی تا]، [بی تا].
٧. ابوزهو، محمد؛ **الحدیث و المحدثون**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٠٤ق.
٨. احمد بن حنبل؛ **المسند**؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
٩. اربلی، علی بن عیسی؛ **کشف الغمه**؛ تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ١٣٨١ق.
١٠. اصبهانی، ابی نعیم؛ **حلیة الاولیاء و طبعات الاصفیاء**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ١٩٨٧م.
١١. انصاری، محمدرضا؛ **اسرار مباحله**؛ ج ٣، قم: دلیل ما، ١٣٨٥ش.
١٢. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ **الصحيح**؛ بیروت: دارالجليل، [بی تا].
١٣. بصری، حسن؛ **تفسیر الحسن البصری**؛ قاهره: دارالحدیث، [بی تا].
١٤. بغوی، ابی محمد حسین؛ **شرح السنه**؛ بیروت: دارالفکر، ١٩٩٨م.
١٥. پوراسماعیل، احسان؛ «درآمدی بر روش شناسی تفسیر امیرالمؤمنین (ع)»؛ **علوم اسلامی**، ش ٨، ١٣٨٦ش.
١٦. جوینی، ابراهیم؛ **فرائد السمطین**؛ بیروت: مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر، ١٩٧٨م.
١٧. حاکم حسکانی، قاضی ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله؛ **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت**؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر، ١٤١١ق.
١٨. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله؛ **المستدرک علی الصحيحین**؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
١٩. حلّی، حسن بن یوسف؛ **کشف الیقین**؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات، ١٤١١ق.
٢٠. خازن، علاءالدین علی؛ **تفسیر الخازن**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
٢١. خوارزمی، موفق بن احمد؛ **مقتل الحسین**؛ قم: دار انوار الهدی، ١٤١٨ق.
٢٢. رازی، فخرالدین محمد؛ **التفسیر الکبیر**؛ ج ٣، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٥ق/١٩٨٥م.

۲۳. سورآبادی، عتیق بن محمد و همکاران؛ تفسیر سورآبادی (تفسیر التفاسیر)؛ تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۱ش.
۲۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم؛ ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی؛ ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۲۵. _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. سهیلی، عبدالرحمن بن ابی‌الحسن؛ الروض الانف؛ مصر: مکتبه کلیات الازهریه، [بی‌تا].
۲۷. سید بن طاوس، علی؛ الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف؛ قم: چاپخانه خیام، ۱۴۰۰ق.
۲۸. سیدرضی، محمد بن حسن؛ نهج البلاغه؛ قم: دارالهجره، [بی‌تا].
۲۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی؛ علل الشرایع؛ قم: مکتبه الداوری، [بی‌تا].
۳۰. شوکانی، محمد؛ فتح القدر الجامع بین فنی الروایة من علم التفسیر؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۹۶م.
۳۱. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی؛ الاحتجاج؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. طریحی، شیخ فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق: السید احمد الحسینی؛ ج ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۳. عسکری، مرتضی؛ آیت تطهیر در کتب دو مکتب؛ تهران: دانشکده اصول‌الدین، [بی‌تا].
۳۴. عیاشی، محمدبن مسعود؛ التفسیر؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
۳۵. قمی، عباس؛ مفاتیح الجنان؛ تصحیح محمدرضا اشرفی؛ قم: الهادی علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم؛ التفسیر؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۷. قندوزی، سلیمان؛ ینابیع الموده؛ قم: منشورات مکتبه بصیریتی، ۱۹۶۶م.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۹. کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات؛ التفسیر؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۴ق.
۴۱. نسفی، عبدالله؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
۴۲. نووی، یحیی بن شرف؛ المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۷ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی